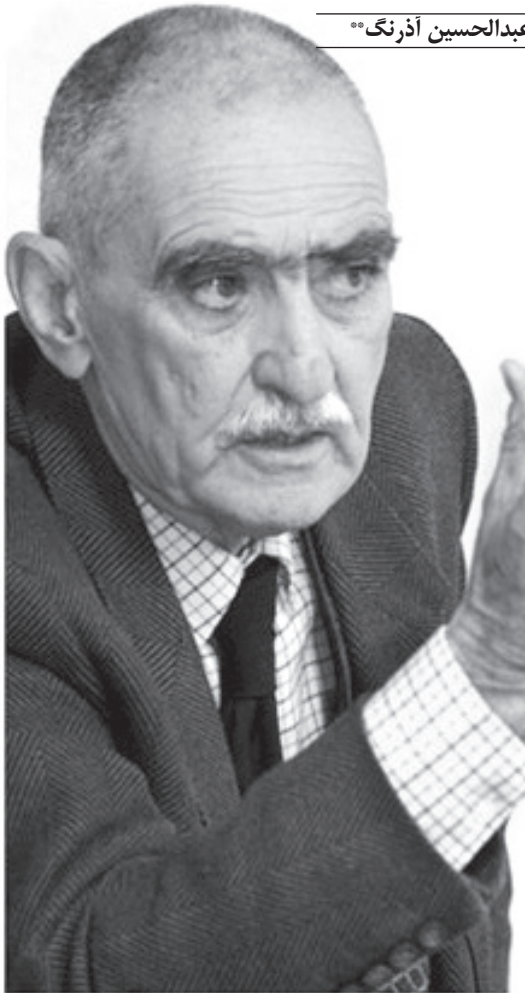


## بزرگمردی بی جانشین\*

عبدالحسین آذرنگ\*\*



ایرج افشار  
 (۱۳۰۴-۱۳۸۹ ش / ۱۹۲۵-۲۰۱۱م):  
 ایران‌پژوه و کتاب‌شناس برجسته. او از  
 پراثرترین پژوهشگران معاصر ایران و از  
 تاثیرگذارترین شخصیت‌های فرهنگی  
 بود. گسترهٔ پهناوری از فعالیتها، از جمله  
 سردبیری چند نشریهٔ فرهنگی و همکاری  
 با شمار بسیاری از نشریات، کتابداری،  
 فهرست‌نگاری، نسخه‌شناسی، تدریس  
 دانشگاهی در داخل و گاه در خارج،  
 مطالعات ایران‌شناسی، قاجارپژوهی،  
 مدیریت انتشارات، همکاری در سطوح  
 مختلف با نهادهای متعدد پژوهشی  
 و ایران‌شناسی و کتابخانه‌ها و مراکز  
 نسخه‌های خطی، از عرصه‌های تکاپوی  
 فرهنگی - پژوهشی او بود. سلامت  
 جسمی و روحی، جدیت و مداومت  
 خستگی‌ناپذیر در کار، ساده‌زیستی و  
 پرهیز جدی از اتلاف وقت، موجب شد  
 که حاصل عمر او، آثاری پرشمار اعم  
 از کتاب، مقاله، تصحیح متون، انواع  
 فهرست‌ها، کتابشناسی‌ها، نطق‌ها و  
 خطابه‌ها، یادداشت‌ها و نوشته‌های دیگر  
 باشد.

\* این مقاله که در اصل برای درج در جلد ۴  
 دانشنامه ایران تالیف شده بود، از سوی آن  
 دانشنامه در مراسم بزرگداشت استاد ایرج افشار  
 در تهران (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی،  
 دوشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۸۹) میان حاضران  
 توزیع شد و سپس در شماری از مطبوعات  
 داخل ایران بازتاب یافت. مولف در این مقاله  
 دانشنامه ای تغییراتی داده است تا مناسب درج  
 در نشریه باشد.

\*\* نویسنده، پژوهش گر، عضو شورای علمی  
 و مدیر بخش مفاهیم جدید دانشنامه ایران  
 (تهران). آثار اخیر عبدالحسین آذرنگ عبارتند  
 از: آشنایی با چاپ و نشر (تهران: سمت، ۱۳۷۵)؛  
 شماری از کتاب، کتابخانه و نشر کتاب (تهران:  
 کتابدار، ۱۳۷۸)؛ نشر و انقلابی در راه: همراه  
 با گفتاری چند در زمینه دانشنامه نگاری و  
 ویرایش (تهران: جهان کتاب، ۱۳۸۹).

ایرج افشار در تهران و در خانواده‌ای یزدی و با فرهنگ زاده شد. پدرش محمود افشار یزدی از شخصیت‌های فرهنگی و ایراندوست زمان خود بود. ایرج در مدرسه‌های زرتشتیان، شاهپور و فیروز بهرام در تجریش و تهران تحصیل کرد و در ۱۳۲۸ش از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در رشته قضایی فارغ‌التحصیل شد. از ۱۹ سالگی در اداره امور مختلف مجله آینده دستیار پدرش بود و نخستین تجربه‌های اداره و انتشار نشریه‌های فرهنگی را از این راه و با کار عملی آموخت. در دوره دانشجویی با مجله جهان نو، از نشریه‌های پیشرو دوره خود که تمایلاتی چپگرایانه داشت، همکاری کرد. در ۱۳۲۹ش در دبیرستان‌های تهران به تدریس پرداخت و در ۱۳۳۰ش به دانشگاه تهران منتقل، و در کتابخانه دانشکده حقوق، که بزرگترین کتابخانه دانشکده‌های ایران در آن سال‌ها بود، به کتابداری مشغول شد و فنون کتابداری را از طریق عملی و تجربی آموخت. جدا از این وظیفه، مدتی سردبیری مجله مهر را به عهده گرفت (۱۳۳۱-۱۳۳۲ش) و با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان نزدیکش، که جمگی به شخصیت‌های فرهنگی برجسته‌ای در حوزه‌های تخصصی خود تبدیل شدند: محمدتقی دانش‌پژوه؛ عباس زریاب‌خویی؛ منوچهر ستوده؛ و مصطفی مقربی، مجله فرهنگ/ایران زمین را در ۱۳۳۱ش تأسیس کرد که انتشار آن تا این زمان ادامه یافته و از نشریه‌های معتبر در زمینه مطالعات ایرانی به شمار می‌رود.

ایرج افشار در ۱۳۳۳ش، زمانی که با کتابخانه ملی ایران همکاری داشت، نخستین دفتر کتاب‌های ایران را انتشار داد. این دفتر، سرآغاز تدوین و انتشار کتابشناسی ملی بود، اثری که باید بازنامی رسمی کتاب‌های انتشار یافته در کشور باشد و تا آن زمان هیچ نهاد دولتی به نشر آن اقدام نکرده بود. کتاب‌های ایران حاوی داده‌های کتابشناختی کتاب‌های منتشر شده در ۱۳۳۳ش به زبان فارسی و داخل ایران بود. افشار، انتشار این فهرست سالانه را تقریباً به همان صورت تا ۱۳۴۵ش به مدت ۱۲ سال ادامه داد. به موازات این فعالیتها، مدتی (۱۳۳۳-۱۳۳۵ش) سردبیر مجله سخن و مدت طولانی‌تری هم (۱۳۳۴-۱۳۴۰ش) مدیر مجله کتابهای ماه بود.

در ۱۳۳۵ش، زمینه دیگری از فعالیت‌های ایرج افشار آغاز شد. احسان یارشاطر، مدیر بنگاه ترجمه و نشر کتاب که به سبب اشتغالات علمی ناگزیر بود بیشتر ایام سال را خارج از کشور به سر برد، سمت قائم‌مقامی این بنگاه انتشاراتی نوپا را به افشار سپرد و او نزدیک به ۷ سال اداره آن بنگاه را در غیاب مدیر آن برعهده داشت. افشار در ۱۳۳۵ش به فرانسه سفر کرد و در دوره‌ای آموزشی، که یونسکو بانی آن بود، با فن کتابداری جدید و موازین نوین و مبانی نظری علم کتابشناسی آشنا شد. گذراندن این دوره و تحولات نگارشی حاصل از آشنایی با دستاوردهای تازه کتابداری و کتابشناسی، به شاخه دیگری از فعالیت‌های افشار شکل داد. او حدود ۷ سال، تا ۱۳۴۲ش، به چند کار مختلف، اما مرتبط دست زد: تدریس کتابداری جدید در دانشسرای عالی، مدیری و سردبیری مجله راهنمای کتاب، تأسیس باشگاه کتاب با همکاری یارشاطر، که با نام انجمن کتاب معروف است، و ارائه کردن خدماتی نو به دوستداران و خوانندگان کتاب، انتشار نشریه نسخه‌های خطی با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه، مدیریت کتابخانه ملی برای مدتی و آغاز کردن فعالیت‌های جدیدی در آن کتابخانه در زمینه سازماندهی نسخه‌های چاپی و

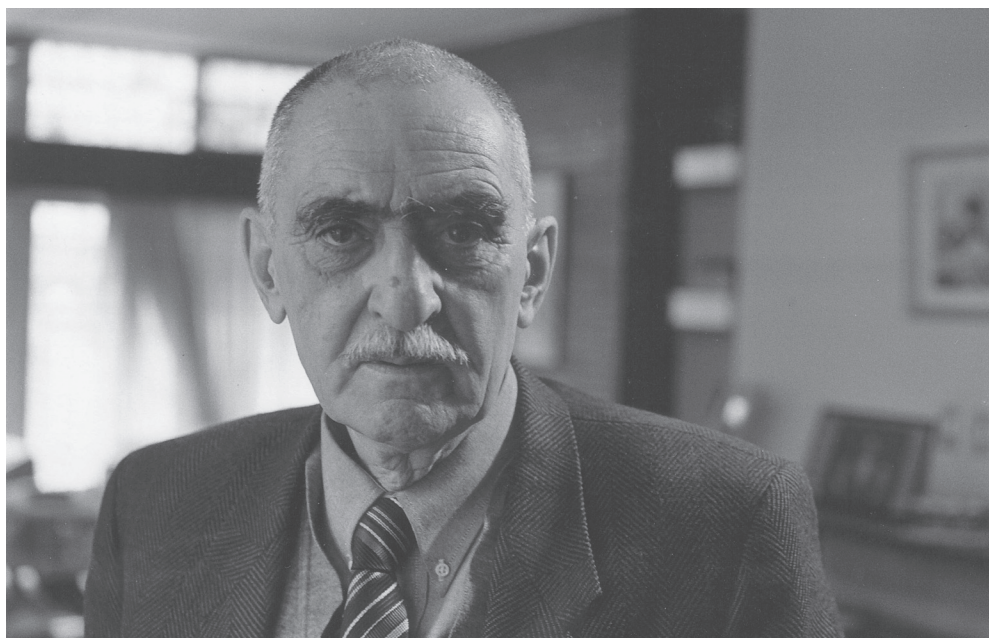
خطی، مدیریت مرکز تحقیقات کتابشناسی دانشگاه تهران و چند کار دیگر مرتبط با این فعالیت‌ها که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

جلد نخست فهرست مقالات فارسی، حاوی داده‌های کتابشناختی ۶۰۰۰ مقاله به زبان فارسی در نشریه‌های ایران‌شناسی و فرهنگی ایران و خارج که افشار اندیشه تدوین آن را از سال‌ها پیش از آن در سرداشت، در ۱۳۳۸ش انتشار یافت. این منبع مقاله‌شناخت که نشر آن، ولو به کندی، همچنان ادامه دارد، و جلد هفتم آن اخیراً (۱۳۸۹ش) انتشار یافته است، نخستین ابزار مقاله‌شناختی فارسی و از جمله ابتکارهای ایرج افشار بود که گرچه قدر آن در آغاز کار در جامعه پژوهشی ایران درست شناخته نشد، اما با گذشت زمان، جایگاه خود را در مطالعات ایران‌پژوهی تثبیت کرد.

ایرج افشار در ۱۳۴۳ش مدیریت انتشارات دانشگاه تهران را به عهده گرفت و حدود ۷ سال در این سمت خدمت کرد. او در این نهاد، به سنتی که به ویژه پرویز ناتل خانلری، موسس انتشارات دانشگاه، بنا نهاده بود، غنا بخشید و کوشید استقلال انتشاراتی دانشگاه را در برابر مداخلاتی حفظ کند که شماری از دانشگاهیان منتفذ به سود منافع شخصی خود و برخلاف رویه‌های دانشگاهی اعمال می‌کردند. سال بعد، در دوره ریاست جهان‌شاه صالح بر دانشگاه تهران، ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به او واگذار شد.

افشار تا چند ماه پس از انقلاب، جمعاً حدود ۱۴ سال، اهتمام اصلی و مهم‌ترین وظیفه‌اش ایجاد، سازماندهی و تکمیل نخستین و در عین حال بزرگترین کتابخانه مرکزی دانشگاهی در کشور بود. کوشش‌های او در این سمت، الگوی ایجاد کتابخانه‌های مرکزی در دیگر دانشگاه‌های ایران قرار گرفت. او ۲ سال پس از آغاز کار خود در کتابخانه مرکزی، مجله کتابداری را در ۱۳۴۵ش تأسیس و منتشر کرد. این سال، حدوداً با تأسیس دوره کارشناسی ارشد علوم کتابداری در دانشگاه تهران و شروع آموزش دانشگاهی مبحث کتابداری جدید در ایران مقارن بود؛ در ضمن، استفاده از متخصصان خارجی در سازماندهی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و برپایه تازه‌ترین دستاوردهای جهانی کتابداری، پشتوانه مؤثری برای آغاز کتابداری دانشگاهی تازه تأسیس به شمار می‌رفت. به رغم اختلاف‌نظرهای بسیار میان افشار و شماری از مروجان اصول کتابداری جدید، که این دسته گاه به سبب ناآشنایی با ویژگی‌های فرهنگی جامعه خود، تفاوت‌های فرهنگی و ظرایف بومی را از نظر دور می‌داشتند، تداوم و گسترش فعالیت‌های کتابداری و کتاب‌شناسی افشار، تأثیرهای خود را بر کارهای پژوهشی و فرهنگی، و به‌ویژه در مطالعات ایرانی، به تدریج نشان داد.

ایرج افشار در ۱۳۴۸ش برای تدریس اسناد تاریخی و تاریخ‌های محلی ایران به گروه تاریخ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت شد. او حدود ۱۰ سال، تا زمان بازنشستگی‌اش از دانشگاه تهران، نخست با مرتبه دانشیاری و سپس استادی، به تدریس در آن گروه ادامه داد، ضمن اینکه استاد درس شناخت نسخه‌های خطی در رشته علوم کتابداری همان دانشگاه هم بود و شماری از کتابداران، کتاب‌شناسان و نسخه‌شناسان امروز کشور، که دوره تخصصی کتابداری را گذرانده‌اند، با شرکت در دوره‌های درسی ایرج افشار



درباره شناخت نسخه‌های خطی، برای نخستین بار با جنبه‌ای مغفول از میراث تمدنی آشنا شدند که کتابداری اقتباسی و تقلیدی تا سال‌ها به اهمیت و جایگاه آن کم‌توجه بود. از ۱۳۴۸ش تا حدوداً ۱۰ سال بعد، ایرج افشار به چند کوشش فرهنگی و تأثیرگذار دیگر دست زد، از جمله برگزاری ۹ کنگره پیاپی تحقیقات ایرانی در شهرهای مختلف دانشگاهی کشور با حضور شماری از ایران‌شناسان خارجی و پژوهشگران ایرانی، و نیز مدیریت مجله ایرانشناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. در کنار اینها، فعالیت‌های فردی افشار در زمینه فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی، کتابشناسی، تصحیح و انتشار اسناد و متون تاریخی و دنبال کردن علاقه‌های شخصیش در بخش‌هایی از تاریخ ایران، به ویژه دوره جدید تاریخ قاجار و از انقلاب مشروطه ایران به بعد، ادامه داشت که حاصل آن چندین اثر اوست.<sup>۱</sup>

پس از انقلاب ۱۳۵۷ش، و آغاز دوره بازنستگی ایرج افشار، مرحله تازه‌ای از زندگی و فعالیت‌های پژوهشی، فرهنگی و انتشاراتی او آغاز شد که تا چند ماه پیش از بیماری شدیدی که به مرگ او در ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ انجامید، ادامه یافت و ثمره آن شاید از جهاتی پربارتر و متنوع‌تر از پیش بود. آزاد شدن افشار از تعهدات شغلی و بیشتر شدن اوقات فراغت او، عامل اصلی همین تکرر و تنوع آثار منتشر شده او از انقلاب به بعد بود. افشار انتشار مجله آینده را، که پیشتر پدرش انتشار می‌داد، از سرگرفت. این مجله که کم و بیش ادامه دهنده مشی مجله راهنمای کتاب بود، تا ۱۳۷۲ش ادامه یافت، اما به سبب

**نویسندگان و خوانندگان**

**چشمه** • دنباله سرمقاله این شماره بناسبت دوح مقاله آقای تقی زاده که فوریت داشت به شماره آینده موقوف گردید.

• بدینوسیله خاطر نویسندگان و ناشرین کتاب را باین نکته توجه میدهد: مجله مهر تنها از کتابهایی که برای اظهار نظر ارسال شود بحث و انتقاد میکند و نه جزاین. دوستان و دوستانان مجله مهر که بایندی و علاقمندی به مجله ایراد میفرمایند از ترویج مجله هیچگاه خودداری نخواهند ورزید.

یکسایت که شش مشترک معرفی نمائید بهای اشترک را در این شماره یکساله مجله برای آن فرستاده میشود. و بانام کوشش و جیدی که در اصلاح مجله میشود باز نادرستیهای روی میدهد که مالال آورد بسیار ناو است. بنظور اینکه خوانندگان اینگونه نادرستیها را تصحیح نمایند باید متذکر شد که در صفحه ۱۴۰ کلمه «جرم پشما» شمر مرحوم ملك الشرا غلط و «جرم پشما» درست است و در ذیل تصویر صفحه ۱۲۲ بجای اردو کشی، «ازدود کشی» است. اخطاط دیگرى که در این سه شماره روی داده در شماره آینده جهت تصحیح مذکور خواهد شد.

• مجله مهر کوشش دارد که در بامداد روز نخست هرماه نشر شود. تاکنون این توفیق را داشته است و جهت استحضار خاطر خوانستاران مجله یاد آور میشود که تاریخ انتشار مجله و روز اول هرماه است.

کتابی است بلم آقای سید نفیسی و مشروحترین سخن است دربارهٔ این سینا که تاکنون بزبان شناسی همانند آن بیچاپ نرسیده است. در این کتاب از شرح حال و فهرست کامل مؤلفات او، فهرست همه کتابها و مراجع فارسی و عربی شامل شرح حال او و صورت کامل کارهای او بویاتیان دوح او، شرح حال شاگردان او، حکایات راجع بوی و منالجات او، اطلاعاتی در بارهٔ شاهان و امیرانی که با او مربوط بوده اند، متن تصحیح شده مطالبی که در کتابهای چاپ نشده فارسی درباره او دیده شده، متن کامل اشارفار فارسی او بویا منسوب باو و دیگر مسائل مربوطه سخن رفته است. این کتاب پرودی از طرف مجله مهر انتشار خواهد یافت.

**وقتی صحبتها**

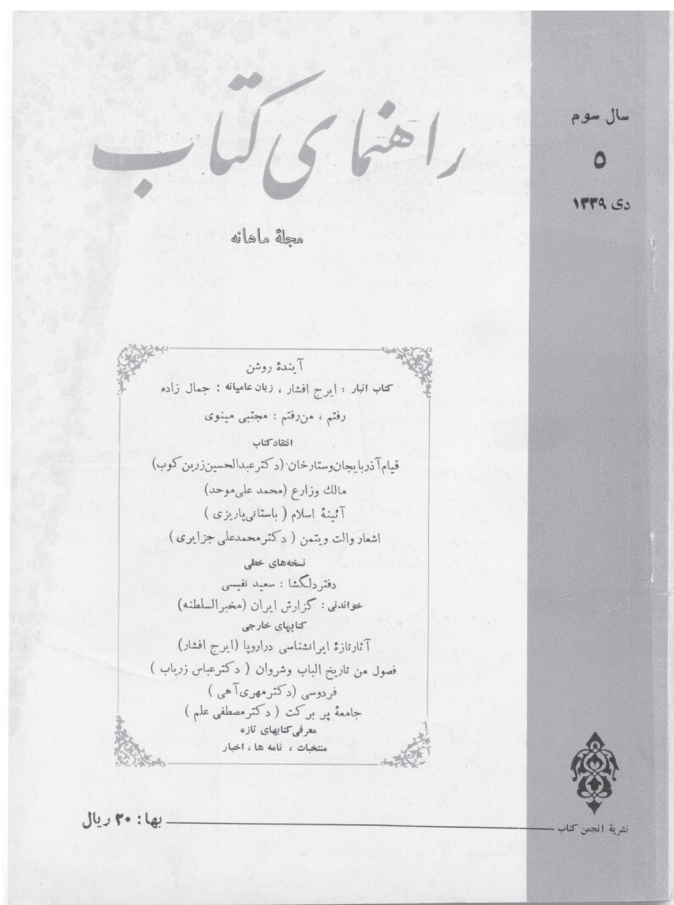
|  |   |
|--|---|
| <p><b>مجله مهر</b><br/>ادبی، تاریخی، هنری<br/>دائرته و نگارنده: مجید موقر<br/>سردبیر: ایرج افشار<br/>بهای اشترک یکساله، ۱۲۰۰ ریال<br/>کثورهایی یکانه، ۴ دلار</p> | <p>«MEHR»<br/>Literary, Historical &amp; Artistic<br/>Monthly Review.<br/>Editor: M. Movaghar<br/>Tehran, Iran<br/>Annual subscription: \$4</p> |
|--|---|

نشانی: خیابان فردوسی تلفن ۴۴۴۶۹ - ۴۴۴۶۹

موانع انتشار نشریه‌های فرهنگی بی‌بهره از یارانه‌ها متوقف شد. افشار مسئولیت انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار را خود به عهده گرفت و به گردآوری و انتشار کتاب‌ها و مقاله‌های پژوهشی در سلسله انتشارات این بنیاد در زمینهٔ مطالعات ایران‌شناسی ادامه داد.

ایرج افشار به تألیف کتاب و مقاله، شرکت در همایش‌های داخلی در زمینهٔ مسائل ایران‌شناسی و کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، نگارش مرتب و مداوم نکته‌ها و یادداشت‌ها در همهٔ زمینه‌های مورد علاقه‌اش و انتشار آنها به ویژه در مجلهٔ بخارا، نظارت بر تدوین فهرست مقالات فارسی و تکمیل و تداوم انتشار مجلدات آن، نظارت بر انتشار آثار متعدد در گسترهٔ مطالعات خود، همچنان ادامه می‌داد. بنا به برآوردها، تا این زمان نزدیک به ۳۰۰ کتاب در زمینه‌های ایران‌پژوهی، نسخه‌شناسی، کتاب‌شناسی، فهرست‌نگاری،





قاجارشناسی، رجال‌شناسی، اطلاع‌رسانی فرهنگی، متون کهن فارسی و شاید بیش از ۲۰۰۰ مقاله و یادداشت از او در همین زمینه‌ها و نیز دربارهٔ رجال فرهنگی ایران در دورهٔ معاصر، ایران‌شناسان خارجی، معرفی و نقد کتاب، نکات و اسناد تاریخی، جغرافیای تاریخی، باستان‌شناسی، سفرنامه، گاه نکات ادبی و عرفانی، با تأکید بر ارزش‌های ادبی و زبان فارسی، انتشار یافته است و شماری نیز آمادهٔ انتشار است. از تکرر و تنوع این همه آثار، شاید در وهلهٔ نخست این طور به نظر برسد که ایرج افشار در زمینه‌های پراکنده‌ای کار کرده است. بررسی دقیق‌تر آنچه به قلم و به اهتمام او انتشار یافته است، نشان می‌دهد رشتهٔ پیوسته‌ای که این همه مهره را به هم پیوند می‌دهد، چیزی جز اطلاع‌رسانی فرهنگی در زمینهٔ مطالعات ایرانی نیست. تأکید افشار بر تدوین و انتشار منابع ردیف سوم و دوم اطلاعاتی، مانند کتابشناسی کتابشناسی‌ها و انواع کتابشناسی‌ها و فهرست‌ها، گاه

پژوهشهای ایراسیا  
 نامواره دکتر محمود افشار

جلد سیزدهم

درگیرنده سی و هشتم مقاله

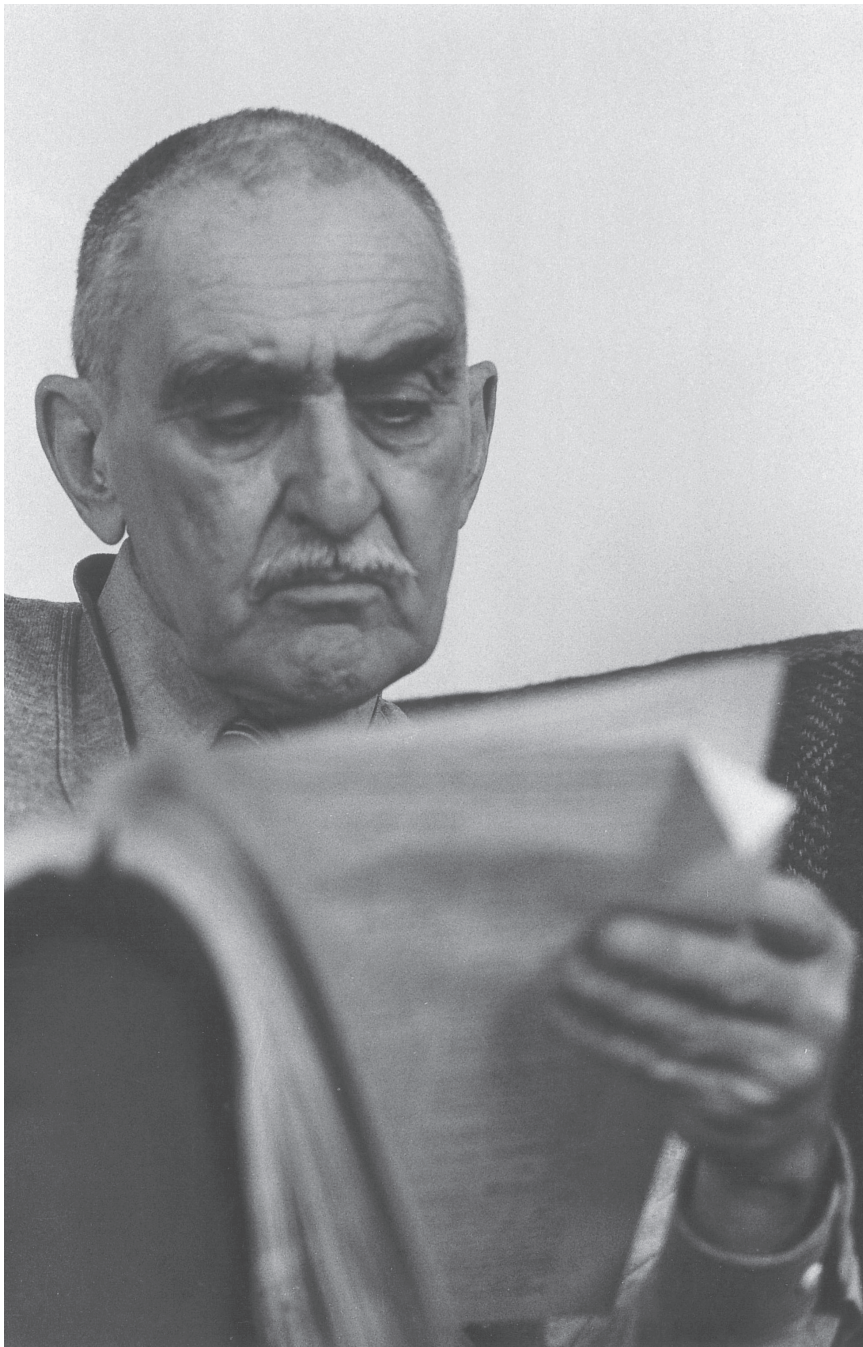
با همکاری تیم اصفهانیا

به کوشش ایرج افشار



تهران ۱۳۸۱

کشودن و گاه هموار کردن راه پژوهشگران مطالعات ایرانی است. تلاش‌های افشار در این زمینه، درخور مطالعه‌ای خاص در میحث اطلاع‌رسانی فرهنگی و راه و روشهای خاص او در این زمینه است. تخصص و اطلاعات شخصی افشار در زمینه رویدادها و رجال ایران از دوره مشروطیت به بعد، موجب شده است که جنبه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی در کار او درباره رویدادها و رجال این دوره از غنای بیشتری برخوردار باشد. مجموعه اطلاعاتی که افشار از منابع مختلف درباره سیدحسین تقی‌زاده، از رهبران جنبش مشروطه، گرد آورده و انتشار داده است، جدا از ارزش‌های خاص آن در باره شناخت خود تقی‌زاده، از بارزترین فعالیت‌های او در زمینه اطلاع‌رسانی فرهنگی معاصر ایران است. مجموعه نوشته‌ها، یادداشت‌ها، اشاره‌ها و گردآورده‌های او درباره دکتر محمدمصدق، گرچه نه در





حد آثار مربوط به تقی‌زاده، نمونه دیگری از کوشش گسترده او در قلمرو اطلاع‌رسانی فرهنگی معاصر است.

جنبه دیگر کمتر شناخته شده تکاپوهای فرهنگی افشار، ارائه مشورت‌های فرهنگی - پژوهشی و پیشنهاد‌های او به شمار کثیری از ایران‌شناسان و نهادهای ایران‌شناسی خارجی و پژوهشگران و دانشجویان و نهادهای ایران‌پژوهی و کتابشناسی و نسخه‌شناسی داخلی و خارجی بود. افشار در رهنمود دادن و هدایت بسیاری از پژوهش‌ها، جست و جوی، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، همایش‌های فرهنگی - پژوهشی و ایجاد ادبیات مربوط به این حوزه‌ها سهم مؤثر داشت و در عین حال به سان حلقه رابطی میان روندهای پژوهشی ایران‌شناسی داخل و خارج کشور عمل می‌کرد. سهم پیدا و ناپیدای او در این عرصه، تا خاطرات بهره‌مندان از همکاری او منتشر نشود و به اطلاع عموم نرسد، طبعاً ناشناخته باقی خواهد ماند.

*ارج‌نامه* ایرج در گرامی‌داشت خدمات ایرج افشار و حاوی نکاتی چند در شناخت بهتر خود او و آثار اوست.<sup>۱</sup> مجموعه دیگری با عنوان *ایران و مطالعات ایرانی*، مقاله‌هایی به افتخار ایرج افشار (به کوشش کامبیز اسلامی: کتابدار دانشگاه پرینستن، حاوی ۲۱ مقاله به انگلیسی و یک مقاله به فرانسوی به قلم ایران‌شناسان خارجی و چند تن از استادان ایرانی دانشگاه‌های خارج، پرینستن، ۱۹۹۸م/ ۱۳۷۷ش) در بزرگداشت خدمات و آثار اوست.<sup>۲</sup> همچنین *ایران شناس مجله‌نگار: زندگی و کارنامه مطبوعاتی ایرج افشار* (از سید فرید قاسمی، تهران، ۱۳۸۹ش)،<sup>۳</sup> کارنامه مطبوعاتی نزدیک به ۶۰ سال حضور او در انواع نشریه‌های فارسی زبان و فرهنگی است.

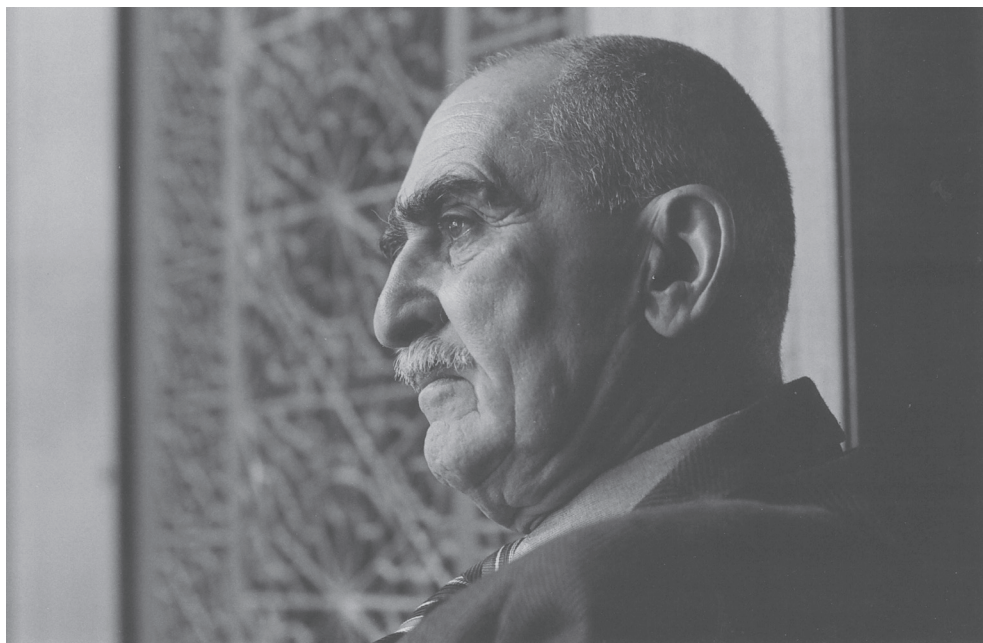
ایرج افشار از ایران‌گردان اندک‌شماری بود که سراسر خاک ایران و بخش‌های مهم نواحی فارسی زبان خارج از ایران را در قلمرو مرزهای ایران فرهنگی سواره و پیاده، با مطالعات قبلی و آگاهی از ارزش‌های آنها، گاه همراه با افراد مطلع و محلی و گاه به تنهایی، دیده، درباره آنها یادداشت‌برداری کرده و از آنها عکس گرفته و بخشی از یادداشت‌ها و عکس‌ها را در نشریه‌های مختلف انتشار داده است. مشاهدات و روایت‌های او در این باره، شاید از برخی جهات از منابع دست اول مطالعات ایرانگردی به شمار آید.

دقت‌های علمی و پژوهشی افشار در حوزه مطالعات خود، طی زمان و با افزایش دانش و تجربه او بارزتر شد و مخالفت‌ها با او و انتقادها بر آثار و یادداشت‌ها و دیدگاه‌های او، چه شخصی و چه غیرشخصی، در نوشته‌های پژوهشی‌اش درباره آثار و اشخاص و نیز همان مخالفان و منتقدان، تأثیر نمی‌گذاشت.

ایرج افشار از اعضای شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بود و گذشته از مشارکت در برنامه‌های پژوهشی این مرکز، به ویژه در زمینه مسائل ایران‌شناسی، بر فعالیت‌ها و برنامه‌های کتابخانه‌ای و اسنادی این مرکز نظارت داشت. او کتابخانه شخصی‌اش را، که مجموعه‌ای غنی و تخصصی به‌ویژه در زمینه کتابشناسی و ایران‌شناسی است، به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی اهدا کرده است. این مجموعه حدوداً بالغ بر ۳۰۰۰۰ فقره خطی و چاپی است. از این تعداد، جز کتاب‌ها و مجلدات

۱. برای جزئیات و صورت آثار، نک: بابک افشار و دیگران، فهرست موضوعی از چاپ‌کرده‌ها و نوشته‌های ایرج افشار، ج ۴ (لوس‌آنجلس، ۲۰۰۳م/ ۱۳۸۲ش)، ۲۰-۲۴.  
 ۲. محسن باقرزاده، *ارج‌نامه ایرج: به پاس نیم قرن سوابق درخشان فرهنگی و دانشگاهی استاد ایرج افشار* (تهران: توس، ۱۳۷۷).

۳. Kambiz Eslami, *Iran and Iranian Studies: Essays in Honor of Iraj Afshar* (Princeton, N.J.: Zagros Press, 1998).



و نشریات، حدود ۶۰۰۰ فقره شامل جزوه، رساله، برگرفته، جلدانشرها از مجموعه‌ها و نشریات است که شمار بسیاری از آنها حاوی اطلاعات باارزش و گاه کم‌نظیر است. بیش از ۱۰۰۰۰ قطعه عکس از شخصیت‌ها، بناها، آثار تاریخی، مناظر و جز آن که ایرج افشار شخصاً برداشته و شماری از آنها در نوع خود تصویرهایی منحصر به فرد است، و حدود ۱۰۰۰۰۰ نامه هم از رجال معاصر، از ایرانشناسان خارجی، شخصیت‌های فرهنگی ایرانی از صنوف مختلف، که بخشی از آنها ارزش‌های تاریخی و ادبی دارد، جزو همین مجموعه است. در ضمن چند مجموعه که صاحبان اصلی آنها در اختیار ایرج افشار قرار داده و او را دربارهٔ مجموعه مخیر شناخته بودند، مانند مجموعهٔ متعلق به سید حسن تقی زاده و الهیار صالح، حاوی بسیاری مطالب باارزش تاریخی و پژوهشی، جزو مجموعهٔ اهدا شدهٔ ایرج افشار به مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی است (اطلاعات مربوط به مجموعهٔ اهدایی، به نقل شفاهی از عنایت الله مجیدی، مدیر کتابخانهٔ مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی).

ایرج افشار شماری از مقاله‌ها و نوشته‌هایش را با نام مستعار امضا کرده است. از جمله نامهای مستعار او: الف جويا؛ ساسان؛ کریم محمدی است.<sup>۴</sup> امضای او گاه با اختصار «ا.افشار» و «ا.ا.» آمده است.

ایرج افشار پس از چند ماه نبرد با بیماری مرگ‌زای سرطان خون، در ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ در تهران درگذشت. پیکرش طی مراسمی با حضور شمار فراوانی از دوستان، دوستان‌اران و شخصیت‌های فرهنگی و علمی کشور تشییع و در مقبرهٔ خانوادگی تدفین شد.

۴. سید فرید قاسمی، ایرانشناس مجله‌نگار: زندگی و کارنامه مطبوعاتی ایرج افشار (تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا و نشر امروز، ۱۳۸۹).

۵. عباس مافی، نام‌های مستعار نویسندگان و شاعران معاصر ایران (تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۱)، ۲۳۳.